

زن در بستر غایت خلقت (برگرفته از اندیشه‌های بانو همایونی)

زهرا طهرانیان*

یکی از اصول مهم اندیشه اسلامی، غایت‌مندی نظام آفرینش است. این اصل نه تنها در اسلام بلکه در تمام ادیان الهی مورد تأکید است. «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ؛ ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که در میان این دو است به بازی (و بی هدف) نیافریدیم. (دخان/ ۳۸)

در واقع تمایز اصلی فرهنگ مادی با ادیان الهی در این نکته است که طرفداران فرهنگ مادی، هستی را بی مبدأ و منتها می‌بینند و جهان از نگاه آنان دفتری است که آغاز و انجام ندارد. به این ترتیب ماجرای هستی غالباً بی معنا و مفهوم می‌ماند و انسان جز فهم نکته‌هایی اندک از این جهان، راه روشنی در پیش ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص ۱۷-۱۶).

در آموزه‌های قرآن کریم به عناوین مختلف بر این نکته تأکید شده که هر موجودی هر آن چه را که برای هدایت و تکامل نیاز دارد به او داده شده؛ لذا باید از همه نیروهای خود در مسیر پایداری و بالندگی حیات مادی و معنوی بهره‌برد. (خلیلی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵-۱۰۱) «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى؛ گفت: «پروردگار ما، همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده، داده؛ سپس هدایت کرده است! (طه/ ۵۰)

وجود اختلاف میان موجودات و زن و مرد از شاهکارهای خلقت است. تنوع‌ها و تفاوت‌ها، نشانه‌ی کاستی در کار خلقت نیست، بلکه هر کدام دقیقاً در راستای اهداف حکیمانه‌ی آفرینش خلق شده‌اند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (این‌ها ملاک امتیاز نیست) گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است (حجرات/ ۱۳).

این دیدگاه، راه ما را از دیدگاه‌های مدافع حقوق زنان در زمان معاصر جدا می‌کند؛ آن‌ها که نه تنها به هدف‌مندی و حکمت خلقت توجه ندارند بلکه آشکار یا پنهان، طبیعت و خلقت را مسئول ظلم علیه زنان می‌دانند. در حالی که صحیفه‌ی تکوین، زیباترین هماهنگی را در قالب تقسیم مسئولیت‌های طبیعی بین زن و مرد را به نمایش می‌گذارد؛ یعنی مشترک بودن زن و مرد در هدف غایی خلقت باعث نمی‌شود وظایف آن دو نیز کاملاً مشابه یکدیگر باشد. (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۲۷۷) «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/ ۹۷)؛ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد؛ خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است؛ او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.

چه بسا عملی که زن را به کمال می‌رساند و او را در مسیر سعادت قرار می‌دهد دقیقاً همان عملی نباشد که مرد را به کمال می‌رساند. چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جهاد مردان را بذل مال و جان در راه خدا و جهاد زنان را شوهرداری نیکو دانسته‌اند. «جَهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعُلِ؛ جهاد زن، خوب همسر داری کردن اوست» (مجلسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۹۹) بدیهی است تربیت یافتگان در این مکتب متعالی و زنانی که از چشمه‌های حکمت قرآن سیراب گشته‌اند نیز به این مسأله اذعان دارند. بانو همایونی که از این دست بانوان فرهیخته‌ی معاصر است در این خصوص تأکید می‌نماید که: «بانوان عزیز از قرآن و احادیث استفاده می‌شود که زنان، صاحب اصالت و شأنیت مهمی در این جهان مادی می‌باشند... اگر شما زنان جایگاه و هنر خود را بشناسید، مدینه فاضله می‌سازید...» (پیام بانو همایونی به یادواره استاد طاهایی، ۱۳۹۲/۱۰/۲۳) پس معلوم می‌شود نباید میان هدف غایی از خلقت که همان تکامل و مقام قرب الی الله است و راه‌های رسیدن به هدف، خلط کرد. در فرهنگ دینی در عین حال که زن هم چون مرد موجودی ارزشمند و کمال یافته است اما به دلیل تفاوت‌های طبیعی، انتظارات ویژه‌ای از هر یک از دو جنس دارد. (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۱۲۲) در این خصوص در فراز دیگری از سخنان بانو همایونی به عنوان یک زن فرهیخته آمده است: «بانوان! چرا به دنبال جایگاه و مسئولیت‌های مردان می‌روید؟ در تحصیل و اشتغال موقعیت و مسئولیت‌ها، زن و مرد را در نظر بگیرید. در غیر این صورت، این نوع تحصیل و علم آموزی همان سیاهی و تیرگی برای زنان است که به دنبالش، تیرگی قلب می‌آورد و باعث می‌شود زنان جایگاه و مسئولیت خود را رها کنند و در جای مردان قرار گیرند. علمی که مناسب زنان است، همان است که «نور یقذفه الله فی قلب من یشاء من عباده» پس مطالبات شما بانوان از مسئولان آن باشد که در مسیر انسان شناسی قرار گیرید و در مسئولیت‌های ویژه‌ی زنان از جمله مادری تقویت شوید» (همان)

اما در مقابل این تلقی از جایگاه زنان، بعضی معتقدند گرچه بازتاب تفاوت‌های تکوینی در مناسبات میان زن و مرد را نمی‌توان انکار کرد، اما این تفاوت‌ها نباید به تقسیم فرصت‌ها به گونه‌ای نابرابر و بر اساس نقش‌های تکوینی زن و مرد بیانجامد (تشکری، ۱۳۸۱، ص ۷۹).

در پاسخ همان طور که گذشت باید به این نکته اذعان داشت که تقسیم مسئولیت برای زن و مرد که از استعدادها و ویژگی‌های طبیعی و تکوینی برمی‌خیزد همگی در راستای یک هدف مشترک توجیه می‌پذیرد و بر هماهنگی و نظام احسن حیات بشری مهر تأیید می‌زند. لذا می‌توان گفت کارکرد متمایز هر جنس و موقعیت و شئون ظاهری مختلف، بر تفاوت در شئون انسانی حمل نمی‌شود، بدین معنا که نقش‌های متفاوت خانوادگی یا اجتماعی سبب فرودستی یا فرادستی هیچ یک بر دیگری نمی‌شود بلکه تنها ملاک کرامت و برتری انسان‌ها، معیارهای والای انسانی و کمالات معنوی است که بعضاً در وظایف محوله به ثمر می‌نشیند (خمینی، ۱۳۶۱، ص ۴۹)

به قول بانو همایونی «آیا این شرافت کمی است که ما آن را فراموش کنیم، شرافتی که در اوج آن در شأنیت حضرت زهرا علیها السلام دیده می‌شود. در حدیث کسا خدای عزوجل در پاسخ جبرئیل فرمود: «هُم فاطمه و أبوها و بعلها و

بنوها...» پس به جای پر کردن جای مردان در جامعه به شغل‌های مغازه داری، کارگری و مشاغل سخت و ... به دنبال شرافت زنانه با صبر و بردباری و قناعت باشیم که دنیاطلبی و تبعیت از هوای نفس مایه‌ی تباهی است، من ۵۰ سال در مورد زنان تحقیق و تفکر داشته‌ام و دریافته‌ام که بعضاً زنان در تاریخ نتوانسته‌اند خود را در جایگاه حقیقی دریابند. من در این جا از زنان هم وطن خود تقاضا دارم اصالت و شأنت خود را در تحصیل و کارهای اجتماعی نادیده نگیرند و مقام و اصالت و شأنت خود را در تحصیل و کارهای اجتماعی نادیده نگیرند و منزلت واقعی خود را فراموش نکنند». (دو هفته نامه ریحانه، ۱۳۸۸، ص ۲۸)

پس هویت انسان تنها در ارتباط با خالق و کل نظام هستی، دارای معنا و مفهوم می‌گردد. انسان خلیفه الله و جانشین حق تعالی بر روی زمین است.

«وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی [نماینده‌ای] قرار خواهم داد». فرشتگان گفتند: «پروردگارا! آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟! (زیرا موجودات زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود داشتند نیز، به فساد و خونریزی آلوده شدند. اگر هدف از آفرینش این انسان، عبادت است) ما تسبیح و حمد تو را به جا می‌آوریم و تو را تقدیس می‌کنیم». پروردگار فرمود: «من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید» (بقره/ ۳۰).

وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/ ۷۰). ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم. جایگاه والایی که به حتم نظیری برای آن در هیچ یک از مکاتب بشری نمی‌توان یافت این مقام به حدی می‌رسد که آدمی شایستگی به دوش گرفتن امانت الهی را می‌یابد؛ «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَسْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب/ ۷۲)؛ ما امانت (تعهد، تکلیف، و ولایت الهیه) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند؛ اما انسان آن را بر دوش کشید؛ او بسیار ظالم و جاهل بود (چون قدر این مقام عظیم را شناخت و به خود ستم کرد) و زن هم چون مرد در مقامات انسانی بی بهره نیست و از امتیازات گفته شده بهره می‌برد و بنا به تأکید بانو همایونی اوج جلوه آن در حضرت زهرا علیها السلام نمایان گر می‌شود:

«حضرت زهرا علیها السلام یک زن بودند و ماهیت زن هم تعدد ندارد. البته حضرت زهرا علیها السلام سیده النساء العالمین هستند. خداوند در قرآن به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» کوثر به معنای سرچشمه کثرت است، همه زنان

نیز سرچشمه کثرت‌اند؛ ولی حضرت زهرا علیها السلام سیده نساء زنان است» (همان) به این ترتیب با اشراف بر آموزه‌های قرآن کریم این همسانی در کسب کمالات بین زن و مرد استخراج می‌گردد.

«وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا» (نساء/ ۱۲۴) و کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن در حالی که ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می‌شوند؛ و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.

کمال انسان در نظام خلقت به تحقق استعدادهای فردی در جهت بندگی خداوند و قرب به حضرت حق است و راه و رسم رسیدن به هدف را قوانین و حقوق اسلامی تعیین می‌کند؛ لذا حرکت بر اساس نظام حقوقی و عمل بر طبق دستورات و حیانی برای وصول به کمال مطلوب از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ چیزی که در زمان معاصر مغفول مانده است.

* فارغ التحصیل سطح ۳، معاون پژوهش طلاب غیرایرانی مکتب نرجس (مشهد) و عضو هیات علمی مکتب نرجس (س)

منابع

* قرآن کریم

۱. تشکری، زهرا، زن در نگاه روشنفکران، قم، کتاب طه، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۲. جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جمال و جلال، قم، اسراء، چاپ سوم، ۱۳۷۷.
۳. خلیلی، مصطفی، اندیشه‌های کلامی علامه طباطبایی، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۴. دو هفته نامه ریحانه، ویژه بانو همایونی، ش ۷۴، تهران، خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، ۱۳۸۸.
۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۰، تهران، المکتبه الاسلامیه، فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.
۶. مصباح یزدی، محمد تقی، انسان شناسی، خداشناسی، کیهان شناسی، قم، موسسه آموزشی امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۷. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، چاپ سی و پنجم، ۱۳۸۲.
۸. موسسه تنظیم آثار امام خمینی، صحیفه نور، ج ۳، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۱.
۹. همایونی، علویه، مقاله به یادواره استاد طاهایی، ۱۳۹۲.